

## جایگاه عشق در قرآن و انجیل با رویکرد روانشناسی

ستاره طهران<sup>۱</sup>، مسعود آرمین یکتا<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد ادیان و عرفان

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد تاریخ اسلام

---

### چکیده

یکی از مهمترین رسالت های دین، ارائه شیوه و روشی برای چگونه زیستن و چگونه اندیشیدن معتقدان می باشد تا نگرشها و جهان باوری برگرفته از دین در گفتار و کردار آنها متجلی شود. بدیهی است که آرامش روان و احساس سعادت یک فرد و یک اجتماع، مشروط به داشتن افکار و اعمالی است که متناسب با سیستم روحی و روانی آنها باشد. در این پژوهش تلاش شده است تا جایگاه عشق به عنوان یک واکنش عاطفی مبتنی بر همدلی در دو دین مسیحیت و اسلام با رجوع به نص قرآن و انجیل بررسی شود و همچنین ضرورت و اهمیت آن با استناد به تحقیقات و نظریات روانشناسان بیان گردد.

**واژه های کلیدی:** عشق، قرآن، انجیل، اسلام، مسیحیت، روانشناسی.

---

## ۱- مقدمه

دین با تکیه بر منبع فرا بشری خود، مدعی می‌باشد که مهم‌ترین توصیه‌های اخبار وحی، مبتنی بر خیر و صلاح زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها است و علم روانشناسی نیز ادعا می‌کند که نظریات و یافته‌های علمی آن، متکی بر تحقیق و تجربه و براساس ساختار و نیازهای روحی انسان است؛ بنابراین باید نتیجه توصیه‌ها و توقعات این دو کانون تربیتی که نیت مدیریت و هدایت ذهن و شخصیت انسان را دارند، دارای وجوه مشترکی باشد.

در تحقیق پیش رو تلاش شده است، عشق به عنوان یک واکنش عاطفی و در جایگاه یک نیاز ضروری اثبات و سپس به عنوان یک تکلیف واجب که مورد تاکید منابع دینی و توصیه روانشناسان می‌باشد، معرفی گردد و همچنین به عنوان کمال رفتاری یک انسان بالغ اثبات شود.

ابتدا نسبت به معرفی دین و رسالت اصلی دین و دینداران اصیل، با تکیه بر دیدگاه محققین حوزه دین پژوهشی و روانشناسی و سپس اظهارات رسولان دین‌های مسیحیت و اسلام با استناد به کتابهای قرآن و انجیل اقدام می‌شود تا بتوانیم در ادامه تحقیق پیش رو، اهمیت جایگاه عشق را در تکالیف و توقعات واضعین این دو دین و همسو با یافته‌ها و توصیه‌های علم روانشناسی اثبات کنیم.

عشق و کیفیت و کمیت تعلقات عاطفی و ضرورت درک و کسب و ابراز آن، موضوعی مشترک میان مباحث روانشناسی در قلمرو علم و نص اصیل دینی در قلمرو متون وحی است. چنانچه دکتر ایزوتسو در کتاب "خدا و انسان در قرآن" می‌نویسد، «اندیشه قرآنی به عنوان یک کل با مساله نجات و رستگاری موجودات بشری سروکار دارد، اگر برای این مساله نبود چنانچه خود قرآن می‌گوید و مکرر درباره آن تاکید میکند، هرگز کتاب فرو فرستاده نمیشد<sup>۱</sup> و از این لحاظ خاص، تصور و مفهوم انسان به درجه ای اهمیت دارد که دومین قطب اصلی را تشکیل میدهد که رو به روی قطب اصلی یعنی خداوند می‌ایستد.» (۱۳۸۱: ۹۲) براساس این نگرش، چنانچه وحی را مصداق راز گشایی وجود انسان و هدایت و تربیت او به سوی خوشبختی و آرامش مستمر بدانیم، باید نتیجه‌ای مشترک میان اصول تربیت شخصیتی، در حوزه علم رفتاری و مفاهیم و توصیه‌های دین بیابیم.

بدیهی است آنکس که از انبساط کهکشانیها و چرخش زمین و خورشید و جهان غیب در قرآن سخن می‌گوید، به عنوان معمار هستی و واضع دین، باید از سیستم عصبی و مصلحت روانی مخلوق خود نیز خبر داشته باشد<sup>۲</sup> تا بتواند در هدایت تشریحی او متناسب با ماهیت وجود و رستگاریش سخن بگوید و نسخه شفا و رشد بپیچد. الاسرا/ ۸۲.

نکته قابل ذکر این است که در قرآن کریم، روانشناسی کمال از آسیب شناسی روانی، تفکیک ناپذیر است. (خلجی موحّد، ۱۳۸۳: ۸۱)

بنابراین با تطبیق یافته‌های روانشناسی و آموزه‌های دینی، تلاش می‌کنیم، جایگاه عشق و محبت را در نص انجیل و قرآن بیابیم و سپس با دستاوردهای نظری و علمی مطابقت دهیم تا اثبات کنیم، عشق و یا بلوغ عاطفی، الویت اول برای تراشیدن و صیقل دادن یک شخصیت سالم اجتماعی از دیدگاه روانشناسی و معیاری برای صداقت یک مدعی ایمان از نگاه دین می‌باشد و رستگاری دنیوی و اخروی انسان متقی، متناسب با حجم و بلوغ شخصیت عاطفی و اخلاقی اوست.

مومن باید عاشق باشد و تجلی عشق در گفتار و کردار یک مدعی ایمان، نماد صداقت اوست تا با این وسیله رفتاری به خدا تقرب بجوید، همان خدائی که رحمت را بر نفس خود واجب و مکتوب نمود<sup>۳</sup> و به خاطر رحمت انسان را خلق نمود<sup>۴</sup> و براساس عدالت حکیمانه خود، فیض نامتناهی خویش را با دوستان و حواریون خویش<sup>۵</sup> که محارم کیهانی او شده اند، تقسیم می‌کند<sup>۶</sup> که یک باغبان عالم و عادل، در باغ خود، درخت می‌کارد و علفها را هرس می‌کند که این عمل یک انتخاب بدیهی و منطقی است.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> یونس/ ۵۷- ابراهیم/ ۱- حشر/ ۲۱- انعام/ ۱۵۵- حجر/ ۱- اسرا/ ۸۲

<sup>۲</sup> انبیا/ ۱۰- ص/ ۸۷- حاقه/ ۵۲- قمر/ ۱۷

<sup>۳</sup> کتب علی نفسه رحمه. انعام/ ۱۲

<sup>۴</sup> الا من رحم ربک و لذک خلقهم. هود/ ۱۱۹

<sup>۵</sup> صف/ ۱۴

## ۲- تعریف دین از دیدگاه واضعین و محققین

تعریف دین به عنوان منبع استنباط ما در خصوص جایگاه و اهمیت عشق در تکالیف دینی، ضرورتی خاص دارد که براساس نظر تعدادی از پژوهشگران علوم انسانی، اینچنین تعریف میشود:

نزد زمیل، «دین باوری و یا دینی بودن، گونه‌ای احساس عاطفی خاص است که وی آن را با واژه تقوی نام گذاری می‌کند و از نظر وی تقوی احساس و عاطفه‌ای است از جانب روح آدمی که وقتی اشکال و صور خاص را به خود می‌گیرد تبدیل به دین میشود.» (پل ویلم، بی تا، ۳۸) امیل دورکیم، دین را این چنین تعریف میکند که «دین عبارت است از یک نظام مشترک و الزام آور از اعتقادات و اعمال به امور مقدس، یعنی آن چیزهایی که جدا و مجزا و محترم هستند مربوط می‌شوند، اعتقادات و اعمالی که همه آنها را که از اینها پیروی میکنند در یک اجتماع اخلاقی که (یا محل اجتماع دینی) خوانده می‌شود، گرد هم می‌آورند.» (همان، ص ۲۱) یونگ در حوزه روانشناسی انسان‌ها رویکرد خاصی نسبت به مقولات دینی در تحقیقات و معالجات خود دارد و رودلف آفمان در نقد اندیشه این روانکاو می‌گوید: «در نظر یونگ روانشناسی و دین چندان فرقی ندارد، زیرا موضوع آنها یکی است یعنی روح، هر دو هدف واحدی دارند و میخواهند افراد را از خطراتی که روح را تهدید میکند در امان نگه دارند و آنها را به طرف خود شکوفایی سوق دهند و هر دو روش‌های یکسانی دارند.» (ام. وولف، ۱۳۸۶: ۶۳۴)

روانشناسی، علم مطالعه رفتار و فرایندهای روانی انسان است تا روانشناسان در شاخه‌های مختلف، مانند روانشناسی تربیتی یا بالینی با توصیف و تبیین و پیش بینی و درنهایت شناخت افکار منفی و مخرب و توصیه برای تغییرات مثبت در خصوص حفظ سلامت روانی و رشد سالم شخصیت انسان اعلام نظر کنند؛ بنابراین ماهیت و هویت افکار و رفتار و چگونگی نگرش انسان به خودش و دیگران و جهان پیرامونش، یک موضوع زیربنایی برای پویایی یک فرد و اجتماع است. رسولان ادیان الهی نیز با تکیه بر صاحب و ناقل وحی، از چه هستیم و چه باید باشیم و چه خواهد شد و چه باید بود و چه نباید بود، سخن می‌گویند تا علاوه بر ارتقاء شناخت انسان نسبت به خیر و شرش. با تکیه بر منطق سود و ضرر ابدی، افکار و رفتار مورد پسند طراح خلقت را برایش توضیح دهند. دین روش چگونه زیستن را برای موجودی بیان میکند که تا ابدیت محکوم و مقدر به زیستن است و دنیای اولیه را پبله‌ای میداند که بهانه تولدی دیگر است.<sup>۶</sup>

مسیح از ملکوت می‌گوید و محمد (ص) وحی را خبر غیب از سوی خدا معرفی می‌کند تا از زبان آنکه همه چیز را میداند، برای انسانی که از ابتدا و انتهای حکمت و نیت خلقت، هیچ نمیداند، علت بودن و چگونه ماندن را بگوید و او را از ظلمات خطا و تجربه و تاریکی حدس و گمان به وادی نور و حقیقت ببرد؛ تا هم‌نوا با ساز هستی و سلیقه شعور کیهانی که خالق عالم هستی می‌باشد، رفتار و عقاید خود را کوک کند. تفاوت ادیان الهی با ادیان دیگر در این است که رسولان و معلمین ادیان الهی جهان بینی خود را نقل قول سلیقه فکری خدا میداند و ادیان دیگر ناشی از اشراق و برداشت ناقل و معلم اولیه می‌دانند که توسط شارح اولیه یا شاگردان او تدوین شده است. ما بی آنکه قصد نقد تحریف و یا مصونیت متون دینی ادیان ابراهیمی را داشته باشیم، دین و مقوله هدایت راه، به عنوان یک تعریف خاص ذکر می‌کنیم.

حضرت عیسی طی وعظی خطاب به صدوقی‌ها و مردم، شروط ورود به سلطنت خداوند را شرح می‌دهد، ولی فریسی‌ها وقتی شنیدند که عیسی چه جواب دندان شکنی به (علمای) صدوقی داده است، تصمیم می‌گیرند، خودشان او را سؤال پیچ کنند و عیسی در جواب ایشان خلاصه صراط مستقیم و نهایت دینداری و تکلیف دینی را چنین توضیح می‌دهد:

«یکی از فریسی‌ها که از علمای دینی بود، پرسید: استاد در میان دستورهای مذهبی کدامیک از همه مهم‌تر است؟ عیسی جواب داد: خداوند را که خدای توست با تمام قلب و جان و عقل خود دوست داشته باش. این اولین و مهمترین دستور خداست. دومین دستور مهم هم مثل اولی است، همان قدر که خودت را دوست داری، همسایه ات را هم دوست داشته باش.»

<sup>۶</sup> - ق/۳۵ - توبه/۷۲ - زمر/۳۳-۳۴

<sup>۷</sup> - فاطر/۱۹-۲۲ - هود/۲۰-۲۴

<sup>۸</sup> - مومنون/۱۱۵

تمام دستوره‌های خدا و گفتار پیغمبران در این دو دستور خلاصه میشود و اگر شما این دو دستور را انجام دهید، در واقع همه را انجام داده اید.» (متی ۲۲: ۳۴-۴۰)<sup>۹</sup>

عیسی (ع) عشق به خداوند را مهم‌ترین و سودمندترین تعلق عاطفی معرفی کرده و همچنین در راستای آن عشق به همسایه را خلاصه رسالت تمام انبیاء میدانند تا اعلام کند هر که عاشق‌تر باشد به خدا نزدیکتر است و به علمای مذهبی و فریسی‌ها هشدار داده و آنها را از ریا و ذکر امور بیهوده برحذر میدارد.<sup>۱۰</sup> عیسی (ع) رجعت به ذهن کودکی را ضرورت تربیت دوباره معرفی می‌کند تا باید و نبایدها براساس سلیقه فکری خدا تثبیت شود<sup>۱۱</sup>

حضرت محمد (ص) نیز با اعلام خطوط خاکستری دین علیه دین<sup>۱۲</sup> و سپس با بیان هدف دین به عنوان یک روش به زیستن بر مبنای مجموعه‌ای از رفتارها و عقاید که طبق سلیقه و تفکر الهیست، هدف رسالتش را بیان میکند تا منتقدین با نقد شبه دین و معتقدین با پیروی از سایه‌ها و آنچه مورد نظر خدا نیست، دین حقیقی را ناآگاهانه تحریفی دیگر نکنند و متن صریح وحی چراغی روشن جهت عدم تحریف در تکرار تاریخ ادیان باشد.

«پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده‌ای] با دستهای خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از جانب خداست» تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند؛ پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند.» بقره/۷۹ سپس در این خصوص مرزی پررنگ میان تبعیت از توصیه‌های الهی و تبعیت از اولیا دیگر ترسیم و توصیف می‌کند<sup>۱۳</sup>. اگر عیسی با تفسیر ظاهر و باطن ظرف ایمان به حقیقتی دیگر اشاره میکند، محمد (ص) نیز با بیان چهار چوبهای اعتقادی و اشاره به رفتارهای همدلانه، عاشقانه، اولویتها را ترکیبی از عقیده و عمل صالح میدانند تا دین و ایمان ترکیب اعتقاد و عمل باشد.<sup>۱۴</sup>

### ۳- تعریف عشق

تلاش داریم که در این مقاله در تعریف و ریشه‌یابی واژه عشق از محدودیتهای پیش ساخته و تعریف‌های عامیانه دوری گزینیم و موضوع پژوهش را با استناد به نظریات علمی و متون دینی مورد بررسی قرار دهیم، لذا ابتدا باید واژه عشق را در معنی لغوی و ادبی آن از لحاظ معانی مشابه و مترادف و سپس مفهومی و آنگاه بعنوان یک واکنش عاطفی یا اشاره به یک رفتار خاص در نگاه پژوهشگران و صاحب نظران حوزه روانشناسی ارزیابی نموده و سپس جایگاه این واکنش رفتاری و روانی را در شرح وظایف دینی متن قرآن و انجیل توصیف و تبیین نماییم.

از این رو نخستین امری که نظر هر محقق را به خود جلب میکند، بیان مفهوم و ریشه‌یابی واژه عشق است. «درعربی، واژه عشق کاربرد بسیاری ندارد و بیش‌تر حَبّ و برگرفته‌های آن به کار می‌روند مانند: حب، حبیب، حبیبه، محبوب و... محبت یا محب مصدر میمی به معنای دوست داشتن، دوستی و دوست داری است. در فرهنگ‌ها آمده: عبارتست از ابتهاج به شی یا از شیء موافق، اعم از آنکه عقلی باشد یا حسی، حقیقی باشد یا ظنی. عبارتست از غلیان دل در مقام اشتیاق به لقاء محبوب المحبه، دوستی و علاقه است، حب، دوست داشتن، محب، دوستدار و محبوب و محب، مورد علاقه و محبوب است.» (توسلی افشار، ۱۳۸۵: ۳) الهی قمشه‌ای می‌گوید: «عشق، استعداد حب و محبت کامل به محبوب است (نیست فرقی در میان حب و عشق) آن حالت محبت شدید، عشق است.» (۱۳۶۳: ۱۳۹) معادل حب در دایره المعارف قرآنی نیز چنین آمده است که: «بضم حاء، دوستی و دوست داشتن محبه، مثله محبت را خداوند تعالی به خود نسبت داده، مانند خداوند توبه کنندگان را دوست

<sup>۹</sup> - مرقس ۱۲: ۲۸-۳۴

<sup>۱۰</sup> - متی ۲۳: ۴-۱۲

<sup>۱۱</sup> - (متی ۱۹: ۱۳-۱۵) و (لوقا ۱۸: ۱۵-۱۷) و (مرقس ۱۰: ۱۴-۱۶)

<sup>۱۲</sup> - آل عمران/۷۸

<sup>۱۳</sup> - اعراف/۳

<sup>۱۴</sup> - جهت مطالعه بیشتر ن ک بقره/۱۷۷ - بقره/۸۸ - نحل/۹۰

دارد.» (شعرانی، قریب، ۱۳۸۰: ۱۴۹) و همچنین «واژه وَدَّ<sup>۱۵</sup> و مشتقات آن وده، یوده، ودود، موده... که به ضم واو به معنای دوست داشتن مانند همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کردند خدای تعالی دوستی آنها را در دل می‌اندازد»<sup>۱۶</sup> (همان، ۵۴۰). چنانچه برخی مودت را به معنای محبت گرفته‌اند، در عین حال مودت، محبتی است که اثر آن در عمل ظاهر شود، مثل ألفت، مراودت (آمد و شد) و احسان و... لذا درباره‌ی محبت میان زوجین واژه‌ی مودت به کار برده شده است<sup>۱۷</sup> و خداوند خودش را ودود معرفی فرموده است<sup>۱۸</sup>. چرا که محبت خداوند با نعمت، احسان و بخشش همراه است. بدین ترتیب می‌توان چنین استنباط کرد اگر در قرآن صریحا واژه عشق به کار گرفته نشده از آنروست که این کلمه، ریشه عربی و عبری ندارد و ما در پی مضامینی با مفهوم عشق، به دنبال بنیان اصلی آموزه دینی در اسلام و مسیحیت می‌گردیم. ضمن اینکه در ترجمه اناجیل از زبان آرامی به لاتین و سپس برگردان آن به فارسی معادل سازی و بکارگیری واژه عشق را خصوصا در انجیل یوحنا و نامه های پولس مشاهده می‌کنیم.

در نتیجه پس از بررسی و مطالعه آثار ادبی و توجه به فرهنگهای لغت چون آندراج، فرهنگ فارسی معین، لغت نامه دهخدا، فرهنگ فارسی عمید و کشاف اصطلاحات الفنون، به این نتیجه رسیدیم که عشق عبارت است از «محبت شدید و علاقه افراطی و دل بستگی زیاد نسبت به یک شی و یا شخص چه از روی عفاف باشد و چه از سر فسق» (خلیلی، ۱۳۸۵: ۲۶). درباره ریشه کلمه عشق و این که از کجا اخذ و اقتباس شده در کتاب کشاف اصطلاحات الفنون این چنین آمده است «عشق ماخوذ از عَشَقَه است و آن گیاهی که بر تنه هر درختی که بپیچد...» (التهانوی، ۱۹۶۷، ج ۲: ۱۰۱۲) با توجه به توضیحات ذکر شده، تاکید می‌کنیم که در این تحقیق، استفاده از واژه عشق یک استعاره است و اشاره به یک واکنش عاطفی دارد؛ ضمن اینکه «عاطفه نیز از ریشه عَطَف یعنی بازگشت چیزی به چیز دیگر گرفته شده است و معنای اصطلاحی این واژه عبارت است از تمرکز یافتن گروهی از انفعالات پیرامون موضوع مشخصی در نتیجه تکرار و برخورد فرد با این موضوع می‌باشد.» (حبیبان، ۱۳۷۴: ۲۳۷)

#### ۴- تعریف عشق از نگاه روانشناسان

از نظر نگارنده عشق برای یک دیندار صاحب بصیرت، یک رابطه مبتنی بر همدلی و یک واکنش اخلاقی متکی بر یک تعلق و تعهد عاطفی نسبت به خویشان و دیگران بوده و یک اولویت و تکلیف واجب دینی است و جایگاه آن در نتایج تحقیقات دانش روانشناسی اثبات شده و یک ضرورت لازم برای حفظ سلامت روانی انسان و رشد فردی و اجتماعی اوست. در این قسمت سعی بر این است که با ارجاع به تحقیقات علمی و دیدگاه صاحب نظران حوزه روانشناسی، تعریف عشق را مورد بررسی قرار دهیم؛ به طور مثال رنه آلدی در بیان عشق چنین می‌گوید: «... عشق آدمی را با جهان پیرامونش سازش می‌دهد، تضادهای اجتماعی را از میان بر می‌دارد فرد را با خواسته‌های نوع و با هر چه از او برتر است، با الوهیتی که در وی ساکن است یگانه می‌سازد و احساس یگانگی با عالم هستی با عشق حقیقی به تجربه در می‌آید.» (آلدی، ۱۳۷۸: ۹) اریک فروم عشق را یک هنر معرفی کرده و سپس می‌گوید: «دلسوزی و توجه، جنبه دیگری از عشق را در بردارد و آن احساس مسئولیت است. پاسخ آدمی به احتیاجات یک انسان دیگر، خواه این احتیاجات بیان شده باشد یا بیان نشده باشد...» (فروم، بی تا: ۴۱) عشق در دیدگاه فروم، یک جوشش کور نشات گرفته از منیت نیست، بلکه احساس همدلی ناشی از یک احساس متعهدانه بین فردی و اجتماعی است، لذا اعلام می‌کند: «عشق دلالت بر مسئولیت، توجه، احترام و معرفت و آرزوی رشد و تکامل برای سایرین دارد و بیانگر صمیمیت بین دو کس با حفظ منیت فردی است.» (فروم، ۱۳۶۰: ۱۲۷) لئوبوسکالیا، در تعریف عشق چون اریک فروم و دیگر روانشناسان بر این باور است که فرآیند عشق اکتسابی است، او می‌گوید: «روانشناسها، روانپزشکها، جامعه شناسها، انسان شناسها و متخصصین تعلیم و تربیت در مطالعات و بررسیهای بیشمار خود به این نتیجه رسیده‌اند که عشق واکنشی آموختنی و

<sup>۱۵</sup>- vadd

<sup>۱۶</sup>- مریم / ۹۶

<sup>۱۷</sup>- و جعل بینکم مؤدَّة و رحمة. روم/ ۲۱

<sup>۱۸</sup>- ان ربی رحیم و دود. هود/ ۹۰

احساسی فراگرفتنی است. اینکه انسان چگونه دوست داشتن را می‌آموزد، مستقیماً با توانایی یادگیری او و به آنهایی که در محیط زندگی به او تعلیم میدهند و با نوع گسترش و پیچیدگی فرهنگ او ارتباط دارد.» (بوسکالی، ۱۳۸۳: ۵۲)

آندرو نیوبرگ و والدمن در تحقیقات مغزنگاری در دانشگاه پنسیلوانیا در راستای نحوه ارتباط انسان با دیگران، با توجه به نتایج آزمایشگاهی، چنین می‌گویند: «همه ما با مغز خودخواه به دنیا می‌آئیم و شواهد نشان می‌دهد که به ندرت (اگر نگوئیم هرگز) ممکن است بتوانیم این میراث را کنار بگذاریم ما فقط آن را بطور موقت معلق می‌گذاریم تا بتوانیم با دیگران کنار بیاییم و معاشرت کنیم اما حتی در آن صورت نیز این نوع دوستی ناشی از جلب منفعت خویش است.» (نیوبرگ، ۱۳۹۰: ۱۷۵) «بنابراین آیا مرجعی برای رام کردن مغز خودخواه ما وجود دارد؟ از نظر نورولوژیکی جواب بسیار ساده است ما باید آگاهانه مهربانی و انصاف را نسبت به دیگران تمرین کنیم...» (همان، ۱۷۸) لذا باید مرجعی جهت مجاب شدن انسان به منافع عشق ورزیدن یافت تا همدلی، جایگزین خودخواهی شود، چنانچه اسکات پک می‌گوید: «عشق اراده به توسعه خود، یادگیری در جهت ارتقای رشد روحی است» (پک، ۱۳۷۲: ۱۰۹)

عشق را میتوان براساس مقدماتی که ذکر شد یک رفتار و رابطه مبتنی بر یک واکنش و تعهد عاطفی نسبت به خود و دیگران دانست که انسان برای رشد و تکامل شخصیت خود نیازمند فراگیری آن است و بخش اعظم این فرآیند مربوط به شناخت و پرورش هوش عاطفی (هیجانی)<sup>۱۹</sup> است که میتواند تاثیر بسزایی در نگرش و بینش ما نسبت به زندگی فردی، اجتماعی و دینی ما داشته باشد دانیل گیلمن در تعریف هوش هیجانی می‌گوید: «هوش هیجانی، توانایی درک و فهم هیجان‌ها و عواطف است به منظور تعمیم آن به عنوان حامی اندیشه، شناخت هیجانها و دانش هیجانی تا بتوانیم آنها را نظم داده تا موجبات رشد عقلی، عاطفی و هیجانی فراهم گردد.» (آقایار، شریفی درآمدی، ۱۳۸۶: ۲۰) روانشناس مذکور در تحقیقات خود، گونه‌ای از سرد مزاجی های عاطفی را بعنوان نوعی اختلال شخصیت و بیماری به نام آلکسی تیمیا معرفی کرده و سپس بیان می‌کند «این شکست در دریافت عواطف دیگری، نقص عمده‌ای در هوشیاری عاطفی محسوب میشود و از لحاظ انسانی فاجعه آمیز است... و عدم وجود وحدت و همدلی در جنایتکاران روانی، افراد زناکار به عنف و کودک آزارها به طور آشکار به چشم می‌خورد.» (گیلمن، ۱۳۷۸: ۱۶۳)

با توجه به توضیحات بیان شده، در ادامه ابعاد توسعه فردی با تمرین عشق ورزی در حوزه های ذیل از منظر روانشناسی و دینی (انجیل-قرآن) بررسی می‌گردد.

۱. عشق به خود
۲. عشق به خدا
۳. عشق به خانواده (والدین-زوجین)
۴. عشق به عناصر اجتماعی و مددجویان

#### ۱-۴- بررسی عشق به خود (با رویکرد روانشناسی)

در ارتباط با موضوع عشق و عشق ورزی، اولین مرحله، نقد و تحقیق در خصوص جایگاه محبت و دوستی نسبت به خویشتن دوستی است تا نگاهی علمی و درون دینی به این مقوله بیندازیم. روانشناسان درمورد دوست داشتن خویش، تحقیقات بسیاری به عمل آورده‌اند و این خصلت روانی که در نهاد انسان به صورت غریزی می‌باشد را نه تنها مردود و مذموم ندانسته‌اند بلکه بر ضرورت وجود و توجه به آن تاکید دارند و دین نیز بعنوان پیام الهی که عالم به اسرار وجود آدمیست موید آن است.

دکتر استلا ریسنک، عشق را به اندازه شیر مادر اساسی دانسته و با توجه به تحقیقاتی که نشان دهنده میزان اهمیت نوازش و محبت فیزیکی برای نوزادان و کودکان است می‌گوید: «... از بدو تولد تا سن حدود ۲۵ سالگی یک کودک نیاز دارد که احساس کند مهمترین فرد روی زمین است...» (ریسنک، ۱۳۹۰: ۱۷۰) توضیح اینکه حب ذات و خویشتن دوستی که از آن با تعبیری

<sup>19</sup> - motional Intelligence

چون حب بقاء، حب حیات، صیانت ذات و غیره یاد می‌شود از نیرومندترین و اصلیت‌ترین غرایز فطری انسان به شمار می‌رود. اهمیت این امر به حدی است که پاره‌ای از محققین، هسته فعالیت‌های انسان را ناشی از حب ذات میدانند و نماد آن تمایل به حس ابراز وجود است

اریک فروم، مساله عشق به خویشتن را چنین مورد ارزیابی قرار میدهد که «...این دستور انجیل که همسایه ات را به اندازه خودت دوست داشته باش بیانگر این است که احترام به منزلت و فردیت و عشق به خود و درک آن، نمیتواند از احترام و عشق و درک نسبت به دیگری جدا باشد، عشق به خود با عشق به دیگران وابستگی ناگسستنی دارد...» (فروم، ۱۳۶۰: ۱۴۵)

عشق و توجه به خویشتن به روایت انجیل و قرآن: در کتاب مقدس، رساله اول به قرن‌تین چنین میخوانیم «آیا نمی‌دانید که هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟ اگر کسی هیکل خدا را خراب کند، خدا او را هلاک سازد، زیرا هیکل خدا مقدس است و شما آن هستید» (۱۶-۱۷)

در تایید وجود حس خود دوستی در بشر، آیاتی متعددی در قرآن، به حب ذات<sup>۲۰</sup>، کمال طلبی<sup>۲۱</sup>، زیبایی طلبی<sup>۲۲</sup> اشاره کرده است و در سوره معارج آیات ۱۱ تا ۱۴ در خصوص این ویژگی می‌گوید:

«آنان را به ایشان نشان می‌دهند. گناهکار آرزو می‌کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز، می‌توانست پسران خود را عوض دهد و [نیز] همسرش و برادرش را و قبیله اش را که به او پناه می‌دهد و هر که را که روی زمین است همه را [عوض می‌داد] و آنگاه خود را رها می‌کرد.»

به رسمیت شناختن لذت شخصی و غیر مذموم بودن توجه به تعلقات فردی و تلاش برای حفظ جان و نفی عدم حرمت برای خویشتن در آیات قرآن به دفعات و به وضوح بیان شده است. ضمن اینکه جلب رضایت الهی را مشروط به رهبانیت و ریاضت‌های منجر به سخت گرفتن بر خود نکرده است.

آی پیامبر! بگو: «زیورهایی که خدا برای بندگان پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو: «این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد.» اینگونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم.»<sup>۲۳</sup> اعراف/۳۲

دیدگاه نگارنده این است که ریشه تمایل انسان برای تقرب به خداوند نیز به علت حب ارتقاء مقام و نوع تکامل یافته‌ای از خود دوستی در قالب اتحاد با یک قدرت برتر است و به همین علت است که انسان دوست دارد محبوب خداوند شود، لذا از تعلقات پست به سمت یک تعلق اعظم توجهش جلب می‌شود زیرا منفعت خود را در این طریق می‌بیند و این اقدام نه تنها مذموم نیست، بلکه یک گزینه ذاتی برای تحریک رشد روانی و شخصیتی انسان می‌باشد، به شرط آنکه در مسیری صحیح و در راستای منافع فردی و جمعی بدون تجاوز به حقوق دیگران هدایت شود؛ نماد این امر دعا و درخواست ابراهیم در سوره شعرا می‌باشد<sup>۲۴</sup> که دغدغه آبروی خود و مقام خویش و رستگاری نفس خود و وصال به بهشت ابدی را در روز رستاخیز دارد. ریشه این تفاوت در خود آگاهی و جهان بینی باطنی شخص می‌باشد پیرو این نیاز روانی، دین می‌خواهد این نگاه خود دوستی منبسط شده تا انسان از خود به خدا برسد.

#### ۲-۴- بررسی عشق به خدا (با رویکرد روانشناسی)

«نتایج آزمایشگاهی نشان میدهد این الگوی رفتاری فرد دیندار نه تنها دستور الهی است، بلکه تصدیق کننده سیستم روانی انسان، برای داشتن روح و جسمی سالم‌تر است. تحقیقات داوید لارسن در مرکز تحقیقاتی ملی آمریکا مقایسه اشخاص متدین

<sup>۲۰</sup> - همزه ۳ - مسد/۲ - العادیات/۸ - ال عمران/۱۴ - نساء/۳۲ - الاسرا/۱۰۰

<sup>۲۱</sup> - غافر/۸۳ - طه/۱۱۴ - کهف/۶۶ - هود/۵۲ - هود/۸۰ - کهف/۹۵ - فضلت/۱۵ - بقره/۱۶۵

<sup>۲۲</sup> - الاحزاب/۵۲ - بقره/۲۲۱ - یونس/۲۴ - الصافات/۶ - غافر/۶۴ - الرحمن/۷۰ - الفرقان/۷۶ - زخرف/۷۱

<sup>۲۳</sup> - جهت مطالعه بیشتر ن ک قصص/۷۷ - نسا/۲۹

<sup>۲۴</sup> - شعرا/۷۶-۸۹

و ملحد نتایج حیرت انگیزی را نشان میدهد؛ مثلا اشخاص متدین ۶۰ درصد کمتر دچار امراض قلبی شده، اعمال خودکشی ۱۰۰ درصد کمتر است و خطر فشار خون به مراتب کمتر از ملحدین می‌باشد. تحقیقات وسیع در مرکز هربرت هسن در فاکولته طبی هاروارد نتایج حیرت انگیزی در این مورد دارد. با آنکه دکتر هربرت خود عقیده ندارد و ملحد است به این نتیجه رسیده که عبادت خدا تاثیرات بسیار مثبت نظر به هر چیز دیگر در صحت انسان دارد وی ثابت نمود که هیچ عقیده‌ای نمی‌تواند به اندازه ایمان به خدا آرامش روانی ایجاد کند. چه دلیلی برای این رابطه میان ایمان و جسم و روح انسان موجود است؟ وی میگوید که جسم و روان انسان طوری تنظیم گردیده که باید به خدا عقیده داشته باشد این حقیقت که علم طب امروزی به آن اعتراف می‌نماید در قرآن مذکور است: «آگاه باشید که تنها یاد خدا آرام بخش دلهاست.» (رعد/۲۸) چرا آنهائیکه به خدا ایمان دارند و وی را پرستش میکنند روحا و جساما سالمترند؟ زیرا آنها مطابق با هدف آفرینش عمل میکنند. فلسفه و سیستم‌هایی که خلاف حقیقت خلقت انسان باشد همیشه دردآور و غم انگیز می‌باشد. طب معاصر پیشرفتهای جدیدی در این مورد دارد چنانچه پاتریک گلاین میگوید: تحقیقات علمی و روانشناسی در ۲۵ سال اخیر نشان میدهد که اعتماد دینی منطقی‌ترین و سازگارترین صحت دماغی و شادمانی است.» (اوکتار، بیتا: ۶۷، ۶۸)

نویسنده کتاب "چگونه خدا مغز شما را تغییر میدهد" نتیجه تحقیقات خود را چنین عنوان میکند «اگر به مدت طولانی عبادت کنیم اتفاق عجیبی در مغز رخ میدهد و عملکرد نورون‌ها تغییر می‌کند. مدارهای عصبی مختلفی فعال می‌شوند و هم‌زمان با آنها برخی دیگر غیر فعال می‌شوند. دندریت‌های جدیدی تشکیل شده و اتصالات سیناپتیک جدیدی بوجود می‌آیند و مغز به قلمرو ظریف تجربه حساس می‌شود مفاهیم تغییر می‌کنند و باورها دگرگون می‌گردند. گروه تحقیقاتی ما در دانشگاه پنسیلوانیا نشان داده‌اند که خدا جزئی از آگاهی ماست و هر چه بیشتر درباره خدا فکر کنیم مدارهای عصبی بیشتری در بخش خاصی از مغز تغییر خواهند کرد به همین دلیل من با اطمینان بسیار می‌گویم که خدا می‌تواند مغز شما را تغییر دهد و مهم نیست که شما مسیحی، مسلمان، یهودی، هندو یا یک منکر بی‌خدا باشید.» (آندرونوبوگ، والدمن، ۱۳۹۰: ۱۴) ویلیام چیتیک<sup>۲۵</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان "ریشه‌های الهی عشق بشر" می‌نویسد «همه چیز در وجود ریشه گرفته است که آن خداست و عشق چیزی جز آن نیست.» (۲۰۱۲: ۴) در دو دین اسلام و مسیحیت، حب به پروردگار، کمال تعلق و بلوغ فرد دیندار تلقی شده و حب خالق نسبت به مخلوق نیز زیباترین الفت منجر به فیض است. لذا در قرآن شاهد آیات فراوانی هستیم که خداوند نه تنها مورد مهر واقع می‌شود، بلکه مهر نیز می‌ورزد.

#### ۴-۲-۱- عشق و رابطه عاطفی بین انسان و خدا به روایت انجیل و قرآن:

«کسی که محبت ننماید خدا را نمی‌شناسد، زیرا خدا محبت است؛ و محبت خدا بر ما ظاهر شده است به اینکه خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاده است تا به وی زیست نماییم.»<sup>۲۶</sup> رساله اول یوحنا (۴: ۸-۱۰)

«و برخی از مردم از غیر خدا همتیانی را برمی‌گزینند. آنان را همسان دوست داشتن خدا دوست دارند و حال آن که مؤمنان خدا را بیش از هر چیز دوست دارند.» بقره/۱۶۵

همچنین در آیات متعددی به رابطه عاطفی میان انسان و خدا در قالب توکل و توجه الهی نسبت به متوکلین اشاره شده است.<sup>۲۷</sup>

#### ۴-۳- بررسی عشق به خانواده (با رویکرد روانشناسی)

در میان دسته بندی‌های رفتار مبتنی بر تعهد عاطفی، شخص بعد از عشق ورزی نسبت به خود و خالق خویش در دایره نزدیک‌ترین اقربای خود، یعنی پدر، مادر، همسر و فرزند قرار دارد.

<sup>25</sup> -william chittick

<sup>۲۶</sup> جهت مطالعه بیشتر ن ک یوحنا (۱۰: ۱۷) یوحنا (۱۵: ۹)

<sup>۲۷</sup> مائده/۵۴-آل عمران / ۱۵۰-انفال/ ۴۰-اعراف/۵۶-اعراف/۲۱۷-حجر/۴۹-بقره/۱۸۶- آل عمران/۱۴۶-آل عمران ۱۴۸



مؤلف کتاب روانشناسی در قرآن کریم به نقل از آلپورت، در خصوص مشخصات یک فرد سالم اعلام میکند: «دومین معیاری که برای انسان بالغ میتوان در نظر گرفت ارتباط صمیمانه خود با دیگران است. او میگوید: شخصی که از نظر روانی سالم است می تواند به پدر مادر، فرزندان و همسر یا دوستانش عشق و محبت نشان دهد. این توانایی حاصل پرورش کامل گسترش مفهوم خویش است. در این حال شخص به فرد محبوب خود احساس اطمینان بخش نشان میدهد و به آسودگی و شادمانی او به اندازه خویش و آسایش خودش، اظهار علاقه میکند. شرط دیگر صمیمیت حس پرورش یافته هویت خود اوست.» (خلجی موحد، ۱۳۸۳: ۴۹)

با وجود اینکه تفاوت‌های میان انجیل و قرآن در خصوص نحوه ابراز عشق منطقی و افراطی وجود دارد اما احترام و مهربانی به والدین در هر دو مورد تاکید قرار گرفته است.

#### ۴-۳-۱- عشق و رابطه عاطفی نسبت به خانواده به روایت انجیل و قرآن

در متی باب ۱۵ عیسی (ع) در جواب اعتراض کاتبان و فریسیان به شکستن حکم تقلید مشایخ از طرف شاگردان عیسی، چنین می‌گوید: «خدا حکم داده است که مادر و پدر خود را حرمت دار و هر که پدر و یا مادر را دشنام دهد البته هلاک گردد. لیکن شما می‌گویید هر که پدر یا مادر خود را گوید آنچه از من به تو نفع رسد هدیه‌ای است؛ و پدر یا مادر خود را بعد از آن احترام نمی‌نماید. پس به تقلید خود حکم خدا را باطل نموده اید.» (۱۵: ۴-۷)<sup>۲۸</sup>

«و پروردگارت مقرر کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر (خود) احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها (حتی) اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگو و از سرمهربانی بال فروتنی بر آنان بگسترو بگو: پروردگارا، آن دورا رحمت کن چنانچه مرا در کودکی پروردند.» اسرا/۲۳

در قرآن هر جا توصیه به رعایت حقوق و احترام و احسان به والدین می‌باشد پس از توصیه به توحید آمده است که اهمیت این موضوع را میرساند.<sup>۲۹</sup>

همچنین در خصوص عشق میان زوجین که عنصری محوری در خانواده می‌باشند، نتایج علمی، اهمیت ارتباط زوجین را از نظر سلامت جسمی روانی نشان میدهد، همان رابطه‌ای مودت و رحمتی که خداوند در قرآن کریم از آن با اعجاز یاد میکند؛ شایان ذکر است از نظر یافته‌های پژوهشی، ارتباط عاطفی و جنسی سالم میان زوجین برای سلامت جسم و روان بسیار مهم و جدی است که میتوان به یافته‌های علمی مراجعه نماییم تا بتوانیم قسمتی از این اعجاز الهی را درک کنیم.

گرچه متن صریحی در چهار انجیل رسمی در خصوص نفی ازدواج و سرکوب این نیاز باطنی وجود ندارد، اما براساس توصیه‌های در بخش نامه‌ها و اعمال رسولان موجود است، رهبانیت و مجرد یک سنت غیر منطقی، ولی مقدس، در شریعت مسیح گردید و از وجهی دیگر باتوجه به سهل و رایج شدن طلاق در قوم یهود که باعث مشکلات اجتماعی میگردد، عیسی در مذمت طلاق، حرمت ازدواج را توصیف میکند. همچنان که در انجیل متی جواب قاطعانه عیسی (ع) را در مقابل سوال عده‌ای از فریسیان درباره حکم طلاق می‌خوانیم که «آیا جایز است مرد، زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟ و او در جواب ایشان گفت: مگر نخوانده‌اید که خالق در ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید و گفت از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش بپیوندد و هر دو یک تن خواهند شد؛ بنابراین بعد از آن دو نیستند بلکه یک تن هستند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد. به وی گفتند: پس از بهر چه موسی امر فرمود که زن را طلاقنامه دهند و جدا کنند؟ ایشان گفت: موسی به سبب سنگدلی هایتان، شما را اجازت داد که زنان خود را طلاق دهید. لیکن از ابتدا چنین نبود؛ و به شما می‌گویم هر که زن خود را بغیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند زانی است و هر که زن مطلقه‌ای را نکاح کند زنا کند.» (۱۹: ۳-۹)<sup>۳۰</sup>

<sup>۲۸</sup> - مرقس (۷: ۱-۲۳) برای مطالعه بیشتر ن ک متی (۱۲: ۴۶-۵۰) مرقس (۳: ۲۱-۳۵) و لوقا (۸: ۱۹-۲۱)

<sup>۲۹</sup> - لقمان ۱۳-۱۵-انعام/۱۵۱

<sup>۳۰</sup> - مرقس (۱۰: ۱-۱۲)

در قرآن بعنوان سند سنت اصیل نبوی و شرح دهنده وحی الهی از رابطه عاطفی و عاشقانه میان زوجین به آیت تعبیر شده است که اسباب آرامش و تجلی نعمت است.

«و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است» روم/۲۱

و این یکپارچگی و درهم تنیدگی زوجین را به زیباترین شیوه ممکن تشبیه میکند به لباسی که برای یکدیگرند: «آنان (زنانتان) برای شما لباسی هستند و شما نیز برای آنان لباسی هستید» بقره/۱۸۷

ضمن اینکه رابطه عاطفی توأم با احترام یا در نظر گرفتن کرامت جفت عاطفی تاکید شده است و خطاب به مومنین گفته شده «با زنانتان به شایستگی رفتار کنید» نساء/۱۹

در قرآن نه تنها، تاهل مذموم و سد ارتقاء روحی نیست، بلکه در صورتی که بهانه مشترک ازدواج براساس جهانبینی الهی باشد باعث جلب توجه الهی و برکت خواهد بود.<sup>۳۱</sup>

#### ۴-۴- بررسی عشق به مددجویان اجتماعی (با رویکرد روانشناسی)

«طبق نظر محققین جامعه شناسی، منشا زندگی اجتماعی انسان در غریزه گروه جویی انسان است...» (پورمقدس، ۱۳۶۷: ۲۱۴)

و طبق نظر آلپورت «انسان سالم در ارتباطات اجتماعی توانایی صمیمی بودن و دلسوز بودن را دارد که لازمه اش درک وضعیت واقعی بشر و احساس هم بستگی با همه مردم است. شخصیت سالم توانایی فهمیدن دردها، هیجانها، ترسها و شکستهایی را که خاصیت ویژگی هستی انسان است دارد...» (خلجی موحد، ۱۳۸۳: ۵۰)

همدلی، نماد یک شخصیت سالم و رشد یافته درآزمون های روانشناسی و معیاری برای اثبات تقوا در حوزه دینداری است زیرا «ویژگی های شخصیتی افراد در گرایش آنان به امداد موثر است از مهم ترین مولفه های که شدت و ضعف آن در تعیین میزان کمک شخص موثر است مولفه همدلی<sup>۳۲</sup> است.» (آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۳۴۹)

باید تصریح نمود که داشتن احساس همدلی نه تنها از نگاه روانشناسان بلکه در آزمایشات عینی و تجربی نیز به عنوان بخشی از فرآیند کارکرد مغز مورد تایید قرار گرفته و چنین استنباط شده است که «ارتباط مشفقانه قدرت نورولوژیکی را دربروز مهربانی، همدلی و بخشش باعث می شود و مانند صمیمیت شفقت با سلامت عاطفی و روانی همراه است. نگرانی قدامی بخشی از مغز است که هسته ی اصلی احساسات عاشقانه را می پروراند و اجازه می دهد که واکنش عاطفی بروز دهیم و اگر کارکرد آن ضعیف شود آن گاه درک احساسات دیگران سخت می شود.» (نیوبرگ، والدمن، ۱۳۹۰: ۲۷۲)

#### ۴-۴-۱- عشق جهت ایجاد رابطه همدلی با مددجویان اجتماعی به روایت انجیل و قرآن:

ارتباط مشفقانه نسبت به انسانی که محتاج توجه و همدردی می باشد، اولویت توصیه عیسی در انجیل است:

«عیسی گفت: خداوند را که خدای توست با تمام قلب و جان و عقل خود دوست داشته باش. این اولین و مهمترین دستور خداست. دومین دستور مهم هم مثل اولی است: همان قدر که خودت را دوست داری، همسایه ات را هم دوست داشته باش. تمام دستورهای خدا و گفتار پیغمبران در این دو دستور خلاصه میشود و اگر شما این دو دستور را انجام دهید، در واقع همه را انجام داده اید» متی (۲۲: ۳۳-۴۰)<sup>۳۳</sup>

هنگامی که یکی از علمای دینی نخواست جواب صریح عیسی را قبول کند، فوری پرسید: کدام همسایه ها را دوست داشته باشیم و عیسی با تمثیل همدلی مرد سامری که منفور یهودیان می باشد، معنی همسایه را به کل انسانها تعمیم می دهد.<sup>۳۴</sup>

<sup>۳۱</sup> - انبیاء/۸۸-۹۰

<sup>۳۲</sup> - empathy

<sup>۳۳</sup> - مرقس (۱۲: ۲۸-۳۴) برای مطالعه بیشتر ن ک (متی ۶: ۴-۱) مرقس (۱۰: ۴۲-۴۵) متی (۲۰: ۲۰-۲۸) مرقس (۴۱: ۱۲-۴۴) لوقا (۱: ۲۱-۴)

<sup>۳۴</sup> - لوقا (۱۰: ۲۸-۳۰)

قرآن، پس از دعوت به توحید، بعنوان شرط اولیه اصلاح جهانبینی انسانها، آنها را دعوت به شرکت در یک مسابقه بزرگ با موضوع فاستبقوالخیرات می‌کند تا صداقت در ادعای ایمان و تسلیم شدن در برابر نیت الهی را با احسان و محبت و عشق ورزیدن به بشریت و بخصوص مددجویان نیازمند اجتماعی اثبات کنند و عدم عمل به این توصیه ضروری را نشانه تکبر و خودپرستی مذموم اعلام می‌کند.

«و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و درباره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و بردگان خود [نیکی کنید] که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد.» نساء/۳۶

قرآن آیات بسیاری را در وصف متقیان و نیکوکاران بیان کرده است که یکی از مهم‌ترین صفات آنها جهت اثبات صداقت در ادعای ایمان، ابراز حس همدلی و نیکی به یتیمان، مستمندان و نیازمندان است.<sup>۳۵</sup> و این صفات، شاخص سنجش عملکرد مومنانی می‌باشد که عشق را سیره خویش ساخته‌اند تا نفس مطمئنه‌ای شوند که ذکرشان، تعهد به کردارهایی است که بهانه جلب توجه خدا است.<sup>۳۶</sup> از منظر صاحب وحی، جامعه همچون کندوئی بزرگی است که اعضا آن نباید نسبت به یکدیگر بی تفاوت باشند و عشق و همدلی همچون شهدی است که شفای روح ضعیفان است، کثرت آیات و تاکید قرآن در خصوص توجه به ایتم، ریشه در این نیاز روانی مهم دارد.

محققان، بنیان عشقی که در سالهای اول کودکی در ضمیر باطنش بنا شده را عامل موثری در توانایی ذهنی و یادگیری های اومعرفی کرده و می‌گویند: «کودکان پیش از آنکه بتوانند مطابق سن خود چیزی بیاموزند، باید به سطح عاطفی مناسبی رسیده باشند.» (چاپمن، کمپل، ۱۳۸۹: ۲۸) لذا تاکید قرآن در خصوص توجه به ایتم منطبق بر نتایج پژوهشی ذیل میباشد: «هر روز که میگذرد به نظر میرسد که شواهد بیشتر و بیشتری در تایید این نیاز ذاتی انسان به باهم بودن، این باهم در ارتباط بودن انسانی و این عشق گرد می‌آید. به نظر میرسد که بدون این پیوندهای نزدیک با آدمهای دیگر، یک نوزاد حتی در جهت رشد، پس رفت می‌کند، آگاهی اش را از دست بدهد، به حماقت بیفتد و سرانجام بمیرد.» (بوسکالیا، ۱۳۸۳: ۷۱)

## ۵- نتیجه گیری

فقدان عشق و حس همدلی و عدم شناخت ماهیت عشق در جایگاه یک نیاز روانی و یک تکلیف دینی، انسان را تبدیل به موجودی بی هویت خواهد کرد که بدون هدف و یا اهدافی خود بینانه به حیات خود ادامه میدهند و مصداق ستم بر خویشتن می‌شوند که در نص قرآن به آن اشاره شده است: «بر ما ستم نمی‌کردند، بلکه بر نفس خویش ستم میکردند.» بقره/۵۷

عشق به عنوان حلقه مشترک میان دستاورد تحقیقات روانشناسی از یک طرف و تعلیمات دینی و توقعات الهی به استناد متون وحی از طرف دیگر، یک نوش داروی فطری برای سلامت روان انسان و گزینه‌ای برای رستگاری او در جهان حاضر و عالم ابدیت است. شایان ذکر است که این امر تنها در صورتی محقق میشود که ماهیت عشق را بدور از تعاریف رایج، به عنوان نوعی رفتار و شیوه ی تفکر بشناسیم و ضرورت آن را به عنوان یک وظیفه دینی درک و هنرش را کسب کنیم، زیرا درصورت فقدان کسب و توجه به این ضرورت رفتاری، روابط شخص با ضمیر درونی و خانواده و اجتماع مختل میگردد.

عشق یک هنر و عاشق، یک هنرمند است و محارم الهی، هنرمندانی برای نقاشی عاطفه و همدلی بر روی بوم زندگی فردی و اجتماعی هستند. صفتی که خداوند بر وجود خود مکتوب نموده<sup>۳۷</sup>، رحمت یا همان عشق است، لذا خلیفه الله نیز، بر زمین باید با کسب این صفت، لایق فیض و دوستی و رحمت ابدی همان خالق شود که رحمن و رحیم است. پس باید دغدغه مومنان و

35- انسان/۸- ۱۰- روم/۲۸- ماعون/۱- ۷- فجر/۱۵- ۲۴- مومنون/۶۰- ۶۱- منافقون/۱۰- بلد/۱۱- ۱۸- آل عمران/ ۹۲

۳۶- فجر/۲۷- ۳۰

۳۷- انعام/ ۱۲

مشتاقان تقرب به خدا، صیقل عواطف و ارتقاء بلوغ عاطفی، جهت تحقق همدلی و احسان باشد که وسیله‌ای برای خشنودی خداست تا در ساخت دنیائی زیباتر با داشتن نیت نیک<sup>۳۸</sup> و بیان نیک<sup>۳۹</sup> و انجام عمل صالح<sup>۴۰</sup> مشارکت شود. بدیهی است هر گونه توصیف و تبیین متفاوت، منجر به سوء برداشت و سوتفاهم خواهد شد اما همچنان که برانتون مفسر کتاب مقدس قابل ذکر می‌کند، «هیچ کس نمی‌تواند بدون در امان ماندن از انتقادات، کج فهمی‌ها و تیرهای تیز حسادت و دروغ دشمنان، پیام و بینشی را که از منبع والاتری دریافت کرده است بیان کند؛ اما در این بین انسان مخلص با هدف خدمت به بشریت و نجات عده‌ای که به کمکش نیاز دارند، از خلوتگاه خود خارج می‌شود تا مردم را با حقایق مسلم آشنا سازد. اچ جی ولز<sup>۴۱</sup> نیز گفته است: حقایق بزرگ آنقدر اندکند که میتوان آنها را به روی کارت پستالی نوشت.» (۱۳۸۳: ۱۲۰) و عشق و جایگاه احسان و همدلی، حقیقت ساده‌ای است که ماهیت آن تحریف و یا فراموش شده است تا هرفرد و گروهی براساس سلیقه شخصی خود آن را تعریف و یا با آن برخورد کنند.

بنابراین براساس مستنداتی که منطبق بر نص انجیل و قرآن بیان شد، جوشش عشق، محور سلامت روان انسان و معیاری برای اثبات ادعای ایمان مومن و وسیله‌ای برای تقرب به خداست و جایگاه عشق در پندار و گفتار و کردار انسان کامل نسبت به خالق و خلق، مهم‌ترین دستور این دو دین پس از ایمان به خداست.

## منابع

۱. قرآن کریم (ترجمه مهدی فولادوند)
۲. کتاب مقدس
۳. آذربایجانی، مسعود و جمعی از مولفان، ۱۳۸۷، روانشناسی اجتماعی (با نگرش به منابع اسلامی)، چاپ سوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران
۴. آقاییار، سیروس، شریفی درآمدی، ۱۳۸۶، پرویز، هوش هیجانی، چاپ دوم، انتشارات سپاهان، تهران
۵. آلدی، رنه، ۱۳۷۸، عشق، مترجم جلال ستاری، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران
۶. الهی قمشه ای، محی الدین مهدی، ۱۳۶۳، حکمت الهی، چاپ ششم، انتشارات اسلامی، تهران
۷. اوکتار، اذنان (هارون یحیی)، ۱۳۸۵، اعجاز قرآن، مترجم دکتر محمد فرید آسمند، بی جا، بی نا
۸. ایزوتسو، توشیکو، ۱۳۸۱، خدا و انسان در قرآن، احمد آرام، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
۹. برانتون، پل، ۱۳۸۳، تفسیرهای پل برانتون از کتاب مقدس، مترجم هما شهرام بخت، چاپ اول، نشر حم، تهران
۱۰. بوسکالیان، لئو، ۱۳۸۳، زندگی، عشق و دیگر هیچ، مترجم مهدی قراچه داغی، زهره فتوحی، چاپ هجدهم، نشر دایره، تهران
۱۱. پک، اسکات، ۱۳۷۲، هنر عاشقی؛ بحثی در روانشناسی عشق، ارزشهای سنتی و تعالی روحی، مترجم زهرا ادهمی، چاپ اول، انتشارات روشنگران
۱۲. پل ویلم، ژان، بی تا، جامعه شناسی ادیان، مترجم عبدالرحیم گواهی، تهران
۱۳. پور مقدس، علی، ۱۳۶۷، درآمدی بر جامعه شناسی اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، قم
۱۴. التهانوی، محمد علی بن علی، ۱۹۶۷م، کشف اصطلاحات الفنون، جلد ۲، چاپ دوم، انتشارات خیام، تهران
۱۵. توسلی افشار، م، ۱۳۸۶، عشق در ادیان و ملل و عرفان اسلامی، زنجان، نشر نیکان
۱۶. چاپمن، گری، کمیل، راس، ۱۳۸۹، پنج زبان عشق کودکان، مترجم سیمین موحد، چاپ سوم، نشر ویدا، تهران
۱۷. حبیبیان، احمد، ۱۳۷۴، مروری بر روان آدمی از دیدگاه اسلام، چاپ اول، مرکز نشر و تبلیغات اسلامی

<sup>۳۸</sup> - حجرات/۱۲

<sup>۳۹</sup> - نحل/۷۶

<sup>۴۰</sup> - نحل/۷۵- فاطر/۱۰

<sup>4</sup> -H.G.Wells

۱۸. خلجی موحد، امان الله، ۱۳۸۳، روانشناسی در قرآن کریم، چاپ اول، انتشارات کتاب مبین، رشت
۱۹. خلیلی، محمد حسین، ۱۳۸۵، میانی فلسفی عشق، چاپ دوم، بوستان کتاب، قم
۲۰. رسینک، استلا، ۱۳۹۰، چگونه آرام و شاد باشیم، ترجمه مهدی مظفری، انتشارات کتابدرمانی، تهران
۲۱. شعرانی، ابوالحسن، قریب، محمد، نثر طوبی (دایره المعارف قرآن کریم)، انتشارات مکتب الاسلامیه، تهران
۲۲. فروم، اریک، ۱۳۶۰، انسان برای خویشتن، مترجم اکبر تبریزی، چاپ اول، نشر بهجت، تهران
۲۳. فروم، اریک، بی تا، هنر عشق ورزیدن، مترجم پوری سلطانی، نشر حبیبی، تهران
۲۴. گلمن، دانیل، ۱۳۷۸، هوش عاطفی، مترجم حمید رضا بلوچ، چاپ سوم، انتشارات جیحون، تهران
۲۵. نیویرگ، آندرو، والدمن، مارک رابرت، ۱۳۹۰، چگونه خدا مغز شما را تغییر می‌دهد؟ مترجم دکتر شهباز رفیعی، چاپ اول، نشر بخشایش، قم
۲۶. وولف، دیوید ام، ۱۳۸۶، روانشناسی دین، مترجم محمد دهقانی، انتشارات رشد، تهران

27. chittick, William, 2012, the divine roots of human love

# A position of love in the Quran and the Bible: The psychological approach

Setareh Tehrani<sup>1</sup>, Masoud Armin Yekta<sup>2</sup>

<sup>1</sup> *Master of Religions and Gnostics*

<sup>2</sup> *Master of Science in Islam*

---

## Abstract

One of the most important religious mission, providing ways and means of how to live and how believers are thinking, that attitudes and belief in word emanated from religion manifest in their speech and their actions. Obviously, mental tranquility and emotional well-being of an individual and a community, subject to the thoughts and actions that are commensurate with their mental health systems.

In this study, we have tried to place love as an emotional response based on solidarity between Christianity and Islam, with reference to the Quran and the Bible study, and the importance and necessity of relying on research and psychological theories is necessary.

**Keywords:** love, Quran, Bible, Islam, Christianity, psychology

---